



درنگی بر سیر اندیشه های رضا داوری

نشست «توسعه و علوم انسانی، درنگی بر سیر اندیشه های دکتر رضا داوری» صبح دوشنبه، 11 اسفند ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. محمدتقی طباطبایی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست اظهار کرد: داوری اردکانی در نگاه کلان - نه به زبان خود-، در هم سخنی با هایدگر ناقد مدرنیته است و آن را نقد می کند و در حقیقت کار او نقد عقل و تاریخ جهان است و این وظیفه هر فیلسوفی است. اما یکبار داوری جای تفکر خود را تغییر داده و به تاریخ کشور و ایران می اندیشد و این را می توان در نگاه خُرد او تقسیم بندی کرد.

وی ادامه داد: من با برجسته کردن مفهوم غرب زدگی فعال، قصد دارم نشان دهم این به عنوان یک مفهوم می تواند نقش یک مَفصل را میان دو نگاه یاد شده (خرد و کلان) ایفا کند؛ در حقیقت نگاه کلان عقل تاریخی است و عقل مدرن که بنیاد آن فلسفه است، ظهور خاصی از عقل بوده که این عقل خودبنیاد و مطلق است و جا برای انواع تفکرات دیگر باقی نمی گذارد و در واقع این عقلی است که در دوره رنسانس پدید آمد و ادعای آن این است که می خواهد بشر را به بهشت زمینی برساند.

سوال همیشگی داوری

طباطبایی "آیا هر چیزی در هر دوره ای برای انسان ممکن است" را سوال همیشگی داوری اردکانی که هیچ گاه نیز بدان پاسخ نداده است، خواند و افزود: در این میان سوالاتی دیگر همچون آیا در قرون وسطی واقعا می توان مدرن بود؟ و آیا مدرن بودن وصف یک عقل است یا جهان؟ واحد ما برای سنجش عقل چیست؟ امر یک فرد است یا نظم و نظام یک عالم و جهان؟ و در آن جهان افراد عاقل اند یا بی عقل؟ امکان ها در این عالم به انسان داده می شود یعنی من وقتی در جهان مدرن هستیم، می توانم فیزیک گالیلو ای داشته باشم یا خیر. این محقق فلسفه تصریح کرد: اینکه داوری بیان می کند عقل تاریخی

است، یعنی واحد سنجش آن فرد و انسان نیست و حتی زبان ها و فرهنگ ها هم نیست یعنی بیرون این عقلانیت، عقلانیت دیگری نیست و داوری منتقد این عقل است؛ در واقع منتقد این عقل بودن، نقد اخلاقی نیست اینکه بگوییم این عقل، عقلی است که باید از بین برود یا جایگزین شود. نکته ای که باید همواره در خصوص اندیشه داوری در نظر داشته باشیم، نقد به معنای درک امکان ها است. وی با بیان اینکه وقتی می‌گوییم پایان مدرنیته، این یک ادعایی است که باید ثابت شود، گفت: در اندیشه داوری اردکانی مدرنیته به پایان رسیده است و حال باید به آینده اندیشید و اینکه راه آینده چگونه باز می‌شود و اینکه امروز برای ما به عنوان مردمی در یک کشور با فرهنگی خاص، چه امکانی وجود دارد و ما کجای تاریخ این جهان هستیم و چه نسبتی با عقل مدرن برقرار کرده ایم. طباطبایی با تاکید بر اینکه مفهوم غرب زدگی فعال این مساله را در بردارد برای اینکه بتوانیم کشوری باشیم که منفعل نبوده و صرفاً تقلید نکنیم و صرفاً پیرامون تاریخ و جهان نباشیم، باید در عقل مدرن شرکت کنیم، عنوان کرد: این به معنای مشارکت در تاریخ جهان است و این تنها امکان پیش روی ما است؛ در حقیقت توسعه یافتن یعنی درک عقل مدرن و برای اینکه در تاریخ جهان نقش داشته باشیم، باید توسعه بیابیم. وی با بیان اینکه برای به توسعه رسیدن به عنوان تنها امکان موجود سه راه و مسیر وجود دارد، اظهار کرد: نخست آن که از غرب تقلید کنیم که در این حالت نسبت ما با گذشته مان از بین می‌رود و تبدیل به زایده جهان توسعه می‌شویم به دلیل آن که سنخ این جهان تقلیدی نیست؛ دوم آنکه برخورد گزینشی با توسعه داشته باشیم یعنی ابزار تکنیکی را بخواهیم و اخلاقیات و در واقع علوم انسانی غرب را نگیریم. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به اندیشه داوری اردکانی در خصوص مساله یاد شده، بیان کرد: او معتقد است با توجه به مفهوم اطلاق عقل و کلیت آن، نمی‌توان با عالم گزینشی برخورد کرد و چیزی را بگیریم و چیزی را بگذاریم به دلیل اینکه اگر عقل وصف عالم است، و من در این عالم امکان پیدا کنم، امکان این گزینش به من داده نشده است.

تفکر داوری درباره یک سوء تفاهم

به گفته وی، داوری معتقد است عقل مدرن عقل است و متصرف و معطوف به عمل نیست بلکه عقلی است که اساساً عمل بوده و نظاره گر نیست و به کنار نمی‌ایستد و تنها نگاه کند؛ اما این مطلب برای ما سوء تفاهم شده به دلیل آنکه نفهمیدیم علم با عمل یکی است و عقل عملی هم در علوم انسانی و هم در علوم تکنیکی است و داوری به این سوء تفاهم می‌اندیشد. این کارشناس با اشاره به اینکه داوری معتقد است عالم شدن با طلب علم پدید می‌آید، و قلمرو نیاز ما اولویت با علوم انسانی است، ابزار کرد: غربی ها علم را طلب کردند نه ثمره آن را چرا که گاه علم به بیراهه و تاریکی می‌رود و ثمره خاصی ندارد اما آنچه در این میان مهم است، طلب علم است اما همیشه ما به نتیجه آن توجه کرده ایم. وی توسعه و علوم انسانی را دارای نسبت کارآمدی با نقد دانست و اظهار کرد: این بدان معنا است که دریابیم توسعه نتیجه ظهور یک عقل خاص یعنی عقل متصرف است و این عقل کلی است که در نظام علم آشکار می‌شود و نقد این نظام را می‌فهمد و در گام بعد می‌گوید حال مشکلات موجود چیست و سپس برای برون رفت از آنها، برنامه ریزی کرد؛ در حقیقت نقد اینجا محوریت اصلی را ایفا می‌کند تا بتوانیم بین علم و کارآمدی آن با نیازهای خود تناسب برقرار کنیم و نسبت علمی با جهان برقرار کردن و فهم این مدرن، کار فلسفه است.

در قلمروی علم نیاز اول با علوم انسانی است

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بیان کرد: نقد داوری اردکانی آن است این عقل یکپارچه بوده و عقل هم جنبه نظری دارد و هم جنبه عملی و تا نظری نباشد، اصلا عملی کار نمی کند و این رویکرد اجازه برخورد گزینشی را نمی دهد؛ علوم در یک نظم عقلانی با یکدیگر کار می کنند و جهانی به نام توسعه پدید آورده اند که در آن پیوستگی وجود دارد و در قلمرو علم، نیاز اول با علوم انسانی است و تا ندانیم کجا ایستاده ایم و چه می خواهیم و مشکلات ما چیست، کاری نمی توان به پیش برد. وی کارآمدی را وصف عقل مدرن خواند و گفت: کارآمدی وصف ابزار تکنولوژیک نیست و اینگونه نیست که کارآمدی علم را در علوم مهندسی ببینیم و تا علم انسانی یعنی فلسفه نباشد، نظام علم معلوم نیست و تا این نظام نباشد، برنامه جامعه پژوهش نداریم. این پژوهشگر اذعان کرد: داوری معتقد است مشکل ما نداشتن نظم علمی است نه کمبود دانشمندان؛ در اولین گام ما باید علم را طلب می کردیم اما نظام علم را ندیدیم و ندانستیم در یک نظام علمی، کارآمدی ممکن می شود. طباطبایی در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: بنابراین، غرض اصلی برای ما ثمره علم بوده است برای همین هر اقدامی انجام می دهیم، نسبت ما با علم انتزاعی می شود و داوری در خصوص این که چرا علم ما نتیجه نمی دهد، معتقد است به دلیل آنکه ما به علوم انسانی بها نداده و با علم گزینشی برخورد کرده ایم.